کوتاه از دیپلماسی

اعتراض نماینده مجلس به جبران‌نشدن خسارت جنگ قره‌باغ

● **ایسنا:** نماینده مردم کلیبر، خداآفرین و هوراند در مجلس، خطاب به وزرای امور خارجه و کشور گفت: «در جریان جنگ دوم قره‌باغ به اموال مردم خداآفرین خسارت و آسیب وارد شد و این خسارات هنوز جبران نشده است». حسین حاتمی در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی خود گفت: «در جریان جنگ دوم قره‌باغ به اموال مردم خداآفرین خسارت و آسیب وارد شد و این خسارات هنوز جبران نشده است. چندین بار در این خصوص تذکر داده شده و وزیر کشور در این راستا می‌گوید وزارت امور خارجه باید پاسخ‌گو باشد؛ اما این وزارتخانه نیز در انجام وظایف خود جدیت به خرج نمی‌دهد». نماینده مردم کلیبر، خداآفرین و هوراند در مجلس خطاب به وزیر کشور و وزیر امور خارجه گفت: «باید در اسرع وقت موضوع مذکور را تعیین تکلیف کنید. بار دیگر در این زمینه تذکر نخواهم داد؛ بلکه از آخرین اهرم نظارتی خود مبنی بر استیضاح به‌ناچار استفاده خواهم کرد».

آزادسازی منابع بلوکه‌شده در عراق در جریان است

● **ایبنا:** رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق گفت: آزادسازی منابع بلوکه‌شده ایران در بانک‌های عراق در جریان است. «یحیی آل‌اسحاق» خبر داد که ایران و عراق درصدد اجرای چندین پروژه مشترک و سیاست‌های تجاری هستند که براساس‌این هم بر حجم مبادلات دو طرف اضافه خواهد شد و هم توازن تجاری متوازنی برقرار می‌شود تا هدف ۲۰ میلیارد دلاری تجاری محقق شود. یحیی آل‌اسحاق، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق، از رشد ۱۷درصدی صادرات ایران به عراق خبر داد و اظهار کرد: در هشت‌ماهه نخست امسال شش‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون دلار صادرات به عراق داشتیم. او ادامه داد: چند برنامه و سیاست اجرائی در دستور کار با عراق داریم که یکی از آنها تأسیس راه‌آهن شلمچه-بصره است و به‌زودی عملیاتی خواهد شد. برنامه دوم، موضوع پیگیری ترانزیت کالاها در عراق است، در صورت تحقق این امر ما می‌توانیم مقدار زیادی از نیازهای وارداتی را از طریق عراق تأمین کنیم. در واقع با تصویب قانون ترانزیت عراق ما می‌توانیم حدود شش میلیارد دلار از کالاهای اساسی مورد نیاز را از طریق این کشور همسایه وارد کنیم.

مخالف‌خوانی دوباره پاریس

پس‌لرزه‌های مذاکره غیرمستقیم

روح‌اله نخعی: کنایه‌آمیز اینجاست که «دژاوو» اصطلاحی فرانسوی است؛ عبارتی که احساس قرارگرفتن در موقعیتی تکراری را توصیف می‌کند؛ درست مانند وضعیتی که اکنون تجربه می‌کنیم.

یک منبع آگاه ایرانی در گفت‌وگو با ایرنا از ساز مخالف فرانسه در مذاکرات احیای برجام در وین خبر داده است. این منبع با اشاره به مانع‌تراشی تیم مذاکره‌کننده فرانسه گفت: «پیش‌نویس وین در زمانی که فرانسوی‌ها نبودند، پیشرفت داشت؛ اما به محض بازگشت آنها، کندشدن روند گفت‌وگوها محسوس بود». این خبر برای کسانی که موضوع مذاکرات منتهی به برجام را از ابتدا پیگیر بوده‌اند، غافلگیرکننده نیست. زمانی که تیم محمدجواد ظریف، وزیر خارجه وقت ایران، مذاکرات را آغاز کرده بود، از دومین نشست در ژنو، این فرانسه بود که از میان حاضران در گفت‌وگوها بیشترین سنگ‌اندازی را بر سر راه مذاکرات داشت. در شرایطی که دولت وقت آمریکا به ریاست‌جمهوری باراک اوباما بر سر مسئله برجام با متحدان منطقه‌ای ایالات متحده از جمله اسرائیل و عربستان سعودی دچار چالش و فاصله بودند، این فرانسه بود که عملا عدم تمایل این بازیگران بیرونی در گفت‌وگوها را نمایندگی می‌کرد. بعدها روایت‌های مذاکره‌کنندگان برجام آشکار کرد انگیزه فرانسه برای این اقدامات، ایفای نقش بیشتر در گفت‌وگوهایی بود که از دید اروپایی‌ها به گفت‌وگو و تصمیم‌گیری میان ایران و آمریکا تبدیل شده بود و طرف فرانسوی می‌خواست سهم خود را در این میان داشته باشد. در واقع همین انگیزه نیز باعث شد امانوئل مکرون پس از خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا از برجام، پیگیر احیای این توافق شود و تا ماجرای نشست بیاریتز پیش برود؛ اما آن زمان این تلاش به سمت اقناع ایران و آمریکا به گفت‌وگو بود و با مخالفت تهران با هرگونه تعامل مستقیم با دولت ترامپ به نتیجه نرسید تا باز مشخص شود مسئله اصلی بین تهران و واشنگتن است و طرف اروپایی توان چندانی برای ایفای نقش در این زمینه ندارد. فرانسه سال گذشته نیز خواستار حضور کشورهای منطقه، به‌ویژه عربستان در مذاکرات شده بود تا عملا برای ایفای دوباره نقش سابقش اعلام آمادگی کرده باشد. نکته درخور توجه اینجاست که این خبر نشان می‌دهد اروپایی‌ها که در روند فعلی گفت‌وگوها نیز حضور چندان مثمرثمری ندارند، حالا به واسطه غیرمستقیم و دوگانه‌بودن جلسات گفت‌وگوها، نقش فزاینده‌ای یافته‌اند و این باعث تأثیرگذاری بیشتر سنگ‌اندازی‌های آنها هم می‌شود.

نقش غیرسازنده اروپایی‌ها

این منبع آگاه که بدون ذکر نام با ایرنا گفت‌وگو داشته، به این خبرگزاری دولتی دراین‌باره گفته است: «تیم مذاکره‌کننده فرانسه نقش سازنده‌ای در مذاکرات ایفا نمی‌کرد و عمدتا با سنگ‌اندازی‌های خود، سرعت پیشرفت در گفت‌وگوها را تا حد قابل توجهی پایین آورده بود». این منبع آگاه ادامه داد: «حضور نمایندگان فرانسه در اجلاس وزرای خارجه گروه هفت در لیورپول و غیبت دوروزه آنها حین کار بر روی پیش‌نویس‌ها در دور قبلی مذاکرات، باعث شد متن‌ها پیشرفت زیادی داشته باشد؛ اما دوباره بعد از بازگشت آنها از لیورپول، مجددا روند اخلال‌گری آغاز شد». این منبع آگاه افزود: «پیش‌نویس‌ها تا حد قابل قبولی پیشرفت کرده بود، ولی بعد از بازگشت نمایندگان فرانسه از کنفرانس لیورپول و مخالفت آنها با پیش‌نویس‌ها، مسیر مذاکرات مختل شد. این امر باعث شد در جلسه داخلی بین کشورهای ۴+۱، بحث‌هایی شکل بگیرد». این در حالی است که پیش‌تر حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران نیز در نشست خبری مشترک با همتای عراقی خود، درباره جدیدترین وضعیت گفت‌وگوهای وین گفته بود: «در مذاکرات قبلی در مجموع رویکرد برخی کشورهای اروپایی و به‌طور مشخص فرانسه را سازنده ندیدیم؛ انتظار ما این است که طرف فرانسوی در مذاکرات بر نقش سازنده تمرکز و کمک کند». بااین‌حال، آنچه در این دور از مذاکرات با دورهای گذشته تفاوت دارد و بر اثرگذاری نقش‌آفرینی منفی فرانسه نیز نقش فزاینده گذاشته، نکته‌ای است که اتفاقا در همان دیدار وزیر خارجه عراق با امیرعبداللهیان مطرح شد و البته پیش‌تر نیز از سوی بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی ایران به آن پرداخته شده است. فؤاد حسین در آن دیدار گفت برای حل مسئله ایران و آمریکا در عراق لازم است دو طرف با هم مستقیم صحبت کنند.

واسطه‌گری با عوارض

فؤاد حسین در صحبت‌هایش در ایران به نکته مهم دیگری نیز اشاره کرد و آن اینکه طرف عراقی در گفت‌وگوهایش با دو طرف، تنها پیام‌رسانی نمی‌کند و نظرهای خودش را نیز منتقل می‌کند. بدیهی است که در جلسات دوگانه وین نیز برخلاف روایت رسمی مقامات ایران، مشابه این اتفاق در حال رخ‌دادن است. زمانی که ۴+۱ جلسه خود را با ایران برگزار می‌کنند و سپس برای بررسی محتوای این جلسه با طرف آمریکایی دیدار می‌کنند، قطعا این فرصت را برای پیشبرد خواسته‌ها و منافع خود مناسب دیده و از آن استفاده می‌کنند؛ به‌خصوص طرف اروپایی که به دلیل نزدیکی به طرف آمریکایی، به‌ویژه در مقایسه با دیگران، یعنی ایران، روسیه و چین، نوعی جایگاه واسطه را در این میان پیدا کرده است و عوارض این حضور در میانه راه را نیز می‌گیرد. این تنها یکی از دلایلی است که باعث می‌شود برخی کارشناسان، حامی مستقیم‌شدن گفت‌وگوها بین ایران و آمریکا برای حفظ منافع ایران باشند.

غیبت ایران در جلسه تصمیم‌گیری

مسئله دیگر که غیرمستقیم‌بودن مذاکرات ایجاد می‌کند، عملا غیبت ایران در جلسه تصمیم‌گیری است. موضوع اصلی مذاکرات احیای برجام، عملا بازگشت آمریکا به این توافق و در نتیجه رفع تحریم‌های ایران و بازگشت همه به تعهداتشان است. روند فعلی، گفت‌وگوی ایران با دیگر طرف‌ها و سپس گفت‌وگوی همه طرف‌ها به‌جز ایران با ایالات متحده است که باید درباره شرایط و شرط‌وشروط بازگشتش تصمیم‌گیری شود. با این چینش، دور از ذهن نیست که عملا جلسه ۴+۱ با آمریکا، جلسه‌ای است که بخش مهمی از گفت‌وگوها و حتی تصمیم‌گیری‌ها در آن انجام می‌شود و سپس نتیجه گفت‌وگوها و توافق همه طرف‌های دیگر برجام در جلسه‌ای دوباره با ایران مطرح می‌شود. کندی این روند بدیهی است؛ اما مسئله دیگر این است که ایران در چنین جلسه‌ای عملا طرفی است که از حاصل گفت‌وگوهای دیگر باخبر می‌شود و حال باید به تنهایی در مقابل نتایج گفت‌وگوهای دیگران مذاکره و احتمالا مخالفت کند و به دنبال واردکردن دغدغه‌ها و منافع خود در نتیجه مذاکرات باشد.

سابقه خنثای طرف اروپایی

دلیل دیگر البته مسئله‌ای است که مدت‌ها پیش رئیس‌جمهور سابق ایران مطرح کرد و با وجود انتقادها به او، صحت آن بارها و بارها آزموده شد. مذاکرات هسته‌ای ایران و بحث تحریم‌ها، از زمان دولت سیدمحمد خاتمی که شروع ماجرا را شاهد بود تا امروز چندین‌بار ایران را با اروپایی‌ها طرف دیده است؛ اما چه زمانی که گفت‌وگوهای سعدآباد انجام می‌شد و چه زمانی که برای حفظ برجام پس از خروج ایالات متحده از آن، تماس و مذاکره در حال انجام بود، مشخص شد طرف اروپایی قدرتی از خود برای تأمین منافع ایران ندارد و در نهایت بدون اجازه و خواست آمریکا، اروپا نقش چندانی برای ایفا ندارد. حال مذاکرات غیرمستقیم عملا بار دیگر ایران را در همین موقعیت قرار داده است که با طرف غربی، بدون حضور آمریکا و تنها با حضور اروپایی‌ها صحبت کند؛ درحالی‌که پیش‌تر میزان کارآمدی گفت‌وگو با اروپایی‌ها مشخص شده است.

مجازات آمریکا یا ضربه به ایران

در ظاهر، تصمیم ایران برای مخالفت با حضور آمریکا در جلسات برجامی، به‌عنوان نوعی مجازات برای طرف آمریکایی به دلیل خروجش از برجام معرفی می‌شود، ولی در عمل، آشکار است که هیچ طرفی به اندازه ایران از این روند آسیب ندیده و منافع خود را در معرض تهدید نمی‌بیند؛ درحالی‌که در یک جلسه با حضور همه بازیگران، چنان که پیش‌تر اتفاق می‌افتاد، ایران می‌تواند بر سر همان میزی که تصمیم اصلی در آن گرفته می‌شود و دغدغه‌ها و خواست‌های همه مطرح است، مواضع خود را مطرح و دنبال کند و احتمالا کار را برای تعقیب دغدغه‌های طرف‌های اسرائیلی و عربستانی از سوی بازیگرانی مثل فرانسه سخت‌تر کند. موضع‌گیری این منبع آگاه که قاعدتا باید نزدیک به هیئت دیپلماتیک ایران باشد، به این معناست که حالا تیم جدید هم دریافته که در غیابش، کسی سنگ ایران را به سینه نمی‌زند، بلکه فرصت برای پیگیری خواسته‌های رقبا و مخالفان ایران بیش از پیش فراهم می‌شود. به نظر می‌رسد تجربه این مدت کافی است تا ایران به این نتیجه برسد که با یکی‌کردن مذاکرات، خود را وارد بازی اصلی کند و منافع و خواسته‌های خود را همان جایی که درباره‌اش تصمیم گرفته می‌شود، پیگیری کند. در غیر این صورت، اگر توافقی نهایی در کار باشد، حاصل جلسه ایالات متحده با ۴+۱ خواهد بود و طرف ایرانی عملا آخرین بازیگری خواهد بود که فرصت تأثیرگذاری می‌یابد.

بازی پیچیده چین با ایران و خلیج‌فارس

چین در خلیج‌فارس دنبال چیست؟ به واقع پکن از احیای برجام منتفع می‌شود؟ بازی این کشور با آمریکا، ترکیه، عربستان و ایران چگونه می‌تواند بر منافع کشور ما تأثیرگذار باشد. پژوهشگران زیادی به این موضوعات پرداخته‌اند. چین در مذاکرات احیای برجام با سکوت پیش می‌رود، کمتر موضع‌گیری می‌کند اما به نظر می‌رسد نقش اقتصادی‌ای که در خلیج‌فارس ایفا می‌کند می‌تواند روی احیای برجام تأثیر بگذارد.

افرایم هالیوی، رئیس سابق موساد، روز ۱۴ دسامبر گفت که چین نقش مهمی در مذاکرات هسته‌ای با ایران در وین ایفا کرده است. به گزارش شبکه ۷ اسرائیل، هالیوی گفت تنها بازیگری که می‌تواند در مذاکرات وین مؤثر باشد و باعث پیشرفت آن شود، همان بازیگری است که موضع او را در قبال موضوع ایران نمی‌شنویم و آن کشور چین است. نفوذ چین بر سیاست ایران احتمالا بزرگ‌ترین نفوذ یک قدرت خارجی بر این کشور است. در هیچ مقطعی از تاریخ، چین به اندازه امروز در وین به ثبات جهانی کمک نکرده است.

اسپنگلر، تحلیلگر آسیاتایمز، در مقاله‌ای با توجه به اظهارات این مقام اسرائیلی نوشته که «نگاه هالیوی به چین به‌عنوان یک نیروی تثبیت‌کننده در منطقه به‌ویژه در زمان تنش شدید بین پکن و واشنگتن، قابل توجه است».

او در این مقاله که دیپلماسی ایرانی آن را به فارسی برگردانده، این‌گونه ادامه داده است: «من هشت سال پیش در مقاله‌ای با عنوان صلح چینی در خاورمیانه A Pax Sinica در خاورمیانه؟، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۳) نوشتم که چین از منافع و نفوذ برای ایفای نقش تثبیت‌کننده در غرب آسیا برخوردار است و اگر بخواهد می‌تواند این کار را انجام دهد. من در آن زمان نوشتم ظرفیت چین برای اعمال فشار بر نظام ایران قابل توجه است. چین ظرفیت اعمال نفوذ راهبردی در خاورمیانه را دارد.

چین بیش از یک دهه است که شریک تجاری اصلی ایران بوده است و از تحریم‌های غرب علیه ایران برای دیکته‌کردن شرایط تجارت خود استفاده می‌کند، ولی پکن بیش از آنکه به ایران نیاز داشته باشد، به عربستان سعودی، یعنی رقیب راهبردی ایران نیاز دارد. چین در سپتامبر ۲۰۲۱ بیش از هشت میلیون تن نفت از عربستان وارد کرد که نسبت به سال قبل ۵۰ درصد افزایش داشته است.

چین ممکن است از روابط خود با ایران برای اعمال فشار بر آمریکا استفاده کند، ولی نمی‌خواهد تهران بر خلیج فارس مسلط شود. چند سال پیش در پکن، از یک پژوهشگر چینی شنیدم که چین فروش موشک‌های خود را به ایران و عربستان با دقت تنظیم می‌کند تا توازن قدرت منطقه‌ای را حفظ کند.

نفوذ ترکیه در سال گذشته در منطقه به‌شدت کاهش یافته و سقوط لیر، آنکارا را به کشورهای خلیج‌فارس وابسته می‌کند. بدتر از همه آنکه، لفاظی اخیر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه در دفاع از اقلیت اویغورهای ترک‌تبار، چین را خشمگین کرده است. اردوغان معمولاً از سین‌کیانگ به‌عنوان ترکستان شرقی یاد می‌کرد تا اینکه فشارها و مشوق‌های چین او را ساکت کرد. پکن عملیات ترکیه در شمال شرق سوریه - یعنی علیه اقلیت کرد سوری - را غیرقانونی خوانده است».

نویسنده نتیجه‌گیری کرده که «چین برای چندین دهه خاورمیانه را به آمریکا واگذار کرد، ولی باید بیاموزد که چگونه در منطقه مانند قدرت‌های امپریالیستی گذشته مانور دهد».

پیش‌تر گای برتون، در مؤسسه سلطنتی خدمات دفاعی انگلیس در مقاله‌ای درمورد سیاست‌های خاورمیانه‌ای چین نوشته بود که «پوشش‌های اخیر رسانه‌ای بر این موضوع تأکید می‌کنند که چین با سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارددلاری‌اش در ایران، زنگ خطر را برای سیاست‌مداران آمریکایی به صدا درآورده است. به این ترتیب چین می‌رود تا به یک تهدید جهانی و خاورمیانه به یک میدان برای رویارویی‌های جهانی تبدیل شود. علاوه بر تمایل چین برای همکاری با دشمنان ایالات متحده، توسعه بندر چندمنظوره در جیبوتی تهدید دیگری عنوان می‌شود، چراکه چین می‌تواند در آنجا کشتی‌های نظامی مستقر کند.

در حقیقت اهداف منطقه‌ای چین و پیامدهای آن روشن نیست. چین روابط گسترده‌ای با ایران و حضور پررنگی در شاخ آفریقا دارد. از سوی دیگر روابط چین با دشمنان ایران از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اسرائیل نیز بر کسی پوشیده نیست. چین در سوریه از حکومت اسد حمایت می‌کند اما در یمن، طرف عربستان را می‌گیرد. چین تا به حال تلاش کرده با عدم دخالت مستقیم در رویارویی‌های منطقه‌ای، توازن در روابط را مدیریت کند. این کنارایستادن و ناظربودن در بسیاری از رویارویی‌ها بیش از آنکه تصویر یک حامی را القا کند، کشوری را نشان می‌دهد که بیشتر اوقات جا خالی می‌کند».

ادامه از صفحه اول

چالش‌های نقل‌وانتقال خودرو! سردرگمی مردم تا کی؟!

در نهایت رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ بخش‌نامه‌ای صادر کرد و بر لزوم تنظیم سند و ثبت رسمی مالکیت خودرو در دفاتر اسناد رسمی تأکید و محاکم و ادارات ثبت اسناد و املاک را از هرگونه ترتیب‌اثردادن به برگ سبز خودرو بدون سند مالکیت منع کرد. با صدور این بخش‌نامه مناقشه‌ها دوباره پایان یافت اما متأسفانه این تعیین تکلیف و رفع اختلاف هم زیاد به طول نینجامید. سازمان ثبت طی بخش‌نامه‌ای برای دفاتر اسناد رسمی تکالیفی مرتبط با برگ سبز صادره توسط راهور مقرر کرد که مورد شکایت واقع شد. به شکایت شاکی بخش‌نامه مزبور در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و هیئت مزبور به ابطال دو بند از بخش‌نامه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور رأی داد. متأسفانه انشاکننده رأی که باید صرفا نظر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری را در رأی منعکس کند، بدون هیچ ضرورتی و بدون توجه به موضوع شکایت مطروحه، در مقدمه صدور رأی (نه اصل رأی) بدون توجه به ماده ۲۹ که مراجعه به دفاتر اسناد رسمی را الزامی دانسته بود، به بحث رسمی‌بودن برگ سبز صادره توسط راهور و نیز اختیاری‌بودن ثبت نقل و انتقال خودرو در دفاتر اسناد رسمی مبادرت کرد. اگرچه معاونت محترم دیوان عدالت اداری در گفت‌وگوی رادیویی درصدد رفع ابهام برآمد و آنچه را لازم بود توضیح داد ولی این توضیح نتوانست از طرح دوباره اختلافات گذشته و بلاتکلیفی مردم جلوگیری کند. در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ دادستان کل کشور با استناد به رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری (که مطابق توضیح معاون محترم دیوان عدالت اداری در رابطه با موضوع مرجع ذی‌صلاح تنظیم اسناد نقل و انتقال خودرو محل سؤال بود)، طی نامه‌ای خطاب به دادستان‌های کشور اعلام کردند که ضرورتی به ثبت رسمی معاملات در دفاتر اسناد رسمی نیست. متعاقب نامه دادستان محترم، در یک مرحله سخنگوی قوه قضائیه و در مرحله دیگر شخص رئیس قوه قضائیه اعلام کردند مرجع صالح برای تفسیر ماده ۲۹ که محل مناقشه است، مجلس شورای اسلامی است نه هیچ مرجع دیگری و از این مرجع درخواست رسیدگی و اعلام نظر شده است. متعاقب این بگومگوها و قیل و قال‌ها که نتیجه‌اش چیزی جز بلاتکلیفی مردم و ورود خسارات فراوان به بیت‌المال (به دلیل عدم پرداخت حقوق دولتی در خرید و فروش خودروها) نبود، بحث استفساریه ماده ۲۹ از مجلس شورای اسلامی مطرح شد. متعاقب طرح بحث استفساریه، اداره کل تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی در نظری اعلام کرد که این ماده هیچ‌گونه ابهامی ندارد و مراجعه به دفاتر اسناد رسمی تکلیف است و الزام دارد. شورای عالی ثبت نیز در تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۷ رأی وحدت رویه صادر کرد با این مضمون ماده ۲۹ قانون مزبور، دارندگان وسیله نقلیه مکلف‌اند بعد از فک و تعویض پلاک خودرو به نام منتقل‌الیه، به دفاتر اسناد رسمی مراجعه کنند و سند رسمی انتقال، به نام مالک باید ثبت شود. از طرف دیگر یکی از افسران راهور و بعضی از کسانی که با تنظیم اسناد رسمی نقل و انتقال خودرو در دفاتر اسناد رسمی به شدت مخالف هستند (قصد واکاوی انگیزه‌ها را نداریم) با مساعدت و همراهی بی حد و اندازه صداوسیما مردم را به اکتفاکردن به برگ سبز تعویض پلاک و عدم مراجعه به دفاتر اسناد رسمی برای تنظیم سند رسمی تشویق می‌کردند. با صدور آرا و نظرات و دستورهای متفاوت از طرف مسئولان و تشویق مردم به عدم مراجعه به دفاتر اسناد رسمی از طرف دیگر، در این مدت از بلاتکلیفی و سردرگمی مردم کاسته نشد که هیچ، بلکه هر روز افزایش پیدا کرد. اینک سؤال مردم این است که آیا این بلاتکلیفی و سردرگمی پایانی ندارد؟! آیا مردم مستحق چنین سردرگمی‌ای هستند، آن‌هم برای موضوعی که هم مسئله مبتلابه روزمره آنهاست و هم به‌سادگی قابل رفع است؟ برای رهایی از این بلاتکلیفی و تأمین رفاه حال مردم، باید چند جهت مورد توجه و عنایت تصمیم‌گیران مخصوصا قوه مقننه قرار گیرد. باید مردم خیالشان هم از جهت تأمین امنیت حقوقی معاملاتشان راحت شود و هم از جهت هزینه‌های ریالی که پرداخت می‌کنند و هم از جهت زمانی که برای امر نقل و انتقال خودرو اختصاص می‌دهند تا جای ممکن کاهش پیدا کند. توجه به تعداد بسیار کم مراکز تعویض پلاک در همه شهرها و در مقابل تعداد فراوان دفاتر اسناد رسمی تکلیف هزینه‌های زمانی را مشخص می‌کند. به همین جهت نگارنده برای رفاه حال عموم مردم و دفع این همه دل‌نگرانی‌ها و بلاتکلیفی‌هایی که در این سال‌ها بر مردم تحمیل شده است پیشنهاداتی را تقدیم می‌کند؛ شاید تصمیم‌گیران این بار با توجه به جمیع جهات و ملحوظ‌کردن رفاه و آسایش مردم تصمیمی معقول و قابل اجرا اتخاذ کنند و مردم را از این بلاتکلیفی نجات دهند. اختصاص پلاک به نام شخص عمل منسوخی است که سال‌ها پیش در خیلی از کشورها متوقف شده است، با حذف صدور پلاک به نام شخص، پلاک به خودرو اختصاص داده شود و مانند سالیان قبل با نقل و انتقال خودرو پلاک به مالک جدید منتقل شود. از آنجا که نقل و انتقال خودرو یک عمل حقوقی است، در فرایند نقل و انتقال در قالب یک عقد، شرایطی باید وجود داشته باشد تا آن عقد به صورت صحیح محقق شود. شرایطی چون قصد و رضایت طرفین، اهلیت انجام معامله از نظر صغر، سفه، جنون و ممنوع‌المعامله‌نبودن، توجه به صحت شروطی که گاه در ضمن یک عقد قرار داده می‌شود، تفهیم تفاوت و آثار هریک از عقودی که طرفین انتخاب می‌کنند، اسقاط خیارات و سایر مواردی که ضروری است برای صحیح واقع‌شدن عقد رعایت شود، ضروری می‌نماید که ثبت امور حقوقی مردم توسط اشخاصی انجام شود که در تمام این موارد از دانش حقوقی کافی برخوردار باشند و با اشراف کامل بر مواد قانونی به ثبت معاملات مردم بپردازند...

ادامه در صفحه ۹